

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است.

(سوره النساء، آیه ۲۹)



طی مراحل اسناد تقنینی

تبع ونگارش: بشیراحمد «عزیزی»

گذشت زمان، ازدیاد اولاد آدم (ع) و شکل گرفتن زیست باهمی از یک طرف عدم قناعت و زیاده خواهی افراد از سوی دیگر باعث گردیده بود تا یک عده از اشخاص به حق خویش بسنده نکرده و تجاوز به حقوق دیگران را حق مسلم خود بدانند. فلذا اندیشمندان و مصلحین جامعه به این فکر افتادند تا یک نورم و مقرراتی را بوجود آورند تا بوسیله آن بتوانند از حق تلفی جلوگیری نموده و از سوی هم حق را به حقدار برسانند.

بنا بر این اهسته آهسته بسوی تدوین قوانین گام بر داشتند تا در قالب آن حقوق و واجبات افراد را مشخص نموده و جلو زیاده خواهی بعضی از استفاده جویان را سد نمایند. در واقع هر نوشته ای که رفتار انسانها را تنظیم می نموده قانون یاد می شد.

تعریف قانون:

قانون قواعد صریح و معقولی که از طرف هیئت حاکمه به منظور حفظ جامعه و تامین حقوق اشخاص وضع گردیده و تطبیق آن توام با اجبار است.

به اساس صراحت قانون اساسی افغانستان مصوبه هر دو مجلس شورای ملی بعد از توشیح رئیس جمهور عبارت از قانون است.

در کل از دو نوع قانون، قانون اساسی و عادی می توان نام برد.

قانون اساسی:

قانون اساسی مجموع دساتیر است که تشکیلات دولت را به معنی وسیع تنظیم نموده رابطه بین اتباع و دولت را تضمین می نماید و دارای خواص ذیل است:

۱- حدود حقوق افراد را تثبیت و حدود استعمال سلطه دولت را معین می سازد.

۲- ارگانهای دولتی را معین نموده و صلاحیت های این ارگانها را مشخص می سازد.

۳- رابطه بین اعضای جامعه (دولت و افراد) را تعیین نموده و تضمیناتی را که به افراد داده شده تسجیل می نماید.

قانون طی مراحل اسناد تقنینی که در روشنایی ماده ۹۵ قانون اساسی کشور وضع شده است در ماده سوم آن اصطلاحات آتی ذیلا تعریف گردیده است:

اسناد تقنینی:

قانون، فرمان تقنینی، معاهدات، میثاق ها و موافقتنامه های بین المللی و سایر اسناد حقوق بین الملل که افغانستان به آن الحاق نموده، مقرر، اساسنامه، ضمیمه، ایژاد، تعدیل، حذف، الغا و تعلیق آنها می باشد.

فرمان تقنینی:

مجموعه قواعد حقوقی الزام آور است که مطابق حکم ماده هفتاد و نهم قانون اساسی طی مراحل گردیده باشد.

مقرر:

مجموعه قواعد حقوقی الزامی است که به منظور تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور، تطبیق بهتر احکام قانون، تنظیم امور، وظایف و صلاحیت های وزارت ها و ادارات دولتی، از طرف حکومت وضع گردیده باشد.

طی مراحل:

تسویذ، تدقیق، تأیید، تصویب، توشیح و نشر سند تقنینی می باشد.

تسویذ: نوشتن حکم سند تقنینی می باشد.

تدقیق: ارزیابی اصطلاحات، کلمات، عبارات، جملات و احکام طرح ابتدایی سند تقنینی، از نظر شکل و محتوا و اطمینان از مطابقت آن با شریعت اسلامی، قانون اساسی، سایر قوانین نافذ، معاهدات و میثاقهای بین المللی و عرف سام جامعه می باشد.

طرح ابتدایی:

مسوده سند تقنینی است که توسط اداره مربوط با نظر داشت نیازهای واقعی و عینی ترتیب و غرض تدقیق آ ماده می شود.

طرح نهایی:

مسوده سند تقنینی است که توسط انستیتوت امور قانونگذاری و تحقیقات علمی - حقوقی با نظر داشت معیارهای عالی تخنیک قانونگذاری طور موجز واضح و قابل فهم تدقیق گردیده و غرض طی مراحل بعدی آماده می شود.

تصویب: اتخاذ تصمیم در مورد تأیید یا رد طرح سند تقنینی از طرف مرجع ذیصلاح می باشد.

توشیح: صحه گذاشتن (امضا) رئیس جمهور به منظور انفاذ سند تقنینی می باشد.

نشر: چاپ سند تقنینی و سایر اسناد قابل نشر مطابق احکام این قانون در جریده رسمی است.

انفاذ: لازم الاجرا شدن احکام سند تقنینی است.

نشست شورای رهبری وزارت عدلیه به ریاست جلالتمآب دکتر عبدالبصیرانور وزیر عدلیه برگزار گردید.

تبع ونگارش: بشیراحمد «عزیزی»



بحث و گفتگو صورت گرفت.

گفتنی است که نشست شورای رهبری وزارت عدلیه در باره ی موضوعاتی که ضرورت گفتمان جمعی را دارد، به گونه ی نوبتی و مداوم برگزار می شود.

انسجام، ثبت و بررسی احزاب سیاسی، نهادهای اجتماعی و رهنماهای معاملات، حقوق، مالی و اداری و برخی موضوعات مربوط به ساحه کار وزارت عدلیه به منظور ایجاد هماهنگی و انسجام بهتر در پیشبرد این امور،

۳۱ سرطان ۱۳۹۹ این نشست با اشتراک معینان و ریسان ریاست های مرکزی وزارت عدلیه، امروز در دفتر وزیر عدلیه برگزار گردید.

در این نشست، در باره ی موضوعات مرتبط به ریاست

منصفانه بودن نهادها شیوه های رسیدگی نظامی

تبع ونگارش: میر شفیع الله کوهستانی

مورد غور و رسیدگی مجدد قرار داده، با نظر داشت رعایت احکام قانون، فیصله ها و قرار های صادره محکمه تحتانی را تصحیح، نقض، تعدیل، تأیید یا لغو کند.

رئیس حقوق ستر درستیز صلاحیت دارد تا محکمه استیناف عسکری را ایجاد و تنظیم نماید.

محکمه استیناف عسکری که به اساس این قانون ایجاد می گردد، به نام محکمه استیناف عسکری مسمی می گردد.

محکمه استیناف عسکری قرار ذیل تنظیم و ایجاد گردیده:

قاضی واجد شرایط مندرج این قانون به رتبه برید جنرال بحیث رئیس محکمه.

قاضی واجد شرایط مندرج این قانون به رتبه دگروال بحیث معاون محکمه.

سه نفر قاضی عضو (دو نفر به رتبه دگروال) و یک نفر دگرمن و یا بلند تر از آن.

مطابق ماده ۱۸ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری رئیس محکمه استیناف عسکری دارای وظایف و صلاحیت های رهبری و تنظیم فعالیت محکمه، ریاست جلسات قضائی، ترتیب پلان های پیشبرد امور قضائی و اداری محکمه و صدور هدایت راجع به طرز رسیدگی تواریخ رسیدگی قضایا، تعیین قضات جهت تدقیق دوسیه های احاله شده به محکمه، توحید تجارب قضائی و صدور هدایات به محاکم ابتدائیه بعد از تأیید رئیس حقوق ستر درستیز و ارائه گزارش از فعالیت محکمه به رئیس حقوق ستر درستیز می باشد.

محکمه باید دفاتر اصلی خود را در شهر کابل ایجاد و حفظ نماید. گرچه هر چند هیأت های قضایی محکمه، محاکمه را در هر شهر و یا ولایت افغانستان به منظور بررسی قضایا که در پیشگاه همچو محکمه معطل به بررسی باشند، دایر نماید.

در ماده ۲۰ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری بیان گردیده است که فرجام خواهی در مورد فیصله ها و تصمیم محکمه استیناف عسکری به پیشگاه ستره محکمه به نحوی که در قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه تصریح شده صورت بگیرد.

رسیدگی قضائی دارند و «هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در قانون اساسی تحدید شده خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

این مانع تشکیل محاکم خاص؛ محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی گردد.»

هرچند پاراگراف ۱ ماده ۱۲۲ قانون اساسی حکم می کند که هیچ قانون در هیچ حالت قضیه- یا ساحه یی را از دایره صلاحیت یک اداره قضائی به یک ارگان دیگر تفویض کرده نمی تواند، ولی پاراگراف ۱ ماده ۱۲۲

استثنائی را برای محاکم عسکری در مسایل نظامی پیش بینی می کند که در ماده ۸ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه نیز تکرار شده است.

علاوه برآن ماده اول قانون تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری تأکید بر قانونی بودن و براساس قانون ایجاد شدن محاکم عسکری دارد و همچنان ماده دوم همین قانون با تأسی از ماد ۱۲۲ قانون اساسی نیز بر این مسأله تأکید دارد.

محکمه ابتدائیه عسکری:

به اساس حکم ماده ۱۲۲ قانون اساسی و ماده ۱۹ قانون تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری، به خاطر رسیدگی به قضایای مربوط به عسکری که ارتباط وظیفه یا ناشی از اجرای وظیفه آنها می باشد، رئیس ستر درستیز صلاحیت دارد تا محاکم ابتدائیه عسکری را با تعداد پرسونل و موقعیت های که جوابگوی نیازمندی در سطح هریک از قول اردوهای اردوی را تنظیم و تشکیل می نماید.

محاکم عسکری بر جرایم وظیفوی که توسط منسوبین اردوی افغانستان ارتکاب گردیده باشند، صلاحیت قضائی منحصر دارند.

محکمه استیناف عسکری:

طبق حکم قانون اساسی و قانون تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری محاکم استیناف عسکری ایجاد می گردد. محکمه استیناف عسکری صلاحیت دارد تا تمام فیصله ها و قرار های محکمه تحتانی را که بر آن اعتراض صورت می گیرد، مطابق به احکام قانون مورد رسیدگی قرار دهد محکمه استیناف حین رسیدگی قضایا به مرحله استینافی صلاحیت دارد تا مانند محکمه تحتانی تمام حالات و کویف دعوی را

برای رسیدگی به جرم قبل از این که مرحله محاکماتی شروع شود باید یک سری تضمین های ساختاری برای مراجع محاکماتی مدنظر قرار گیرد تا محاکمه نظامی منصفانه باشد. این تضمین ها عبارتند از این که مراجع نظامی باید قانونی، صالح، مستقل و بی طرف باشند. علاوه بر آن، شیوه ی رسیدگی در مراجع نظامی نیز باید منصفانه، یعنی علنی، حضوری، فوری، مستند و مستدل باشد که به طور اجمالی به بررسی آن ها می پردازیم.

اصل قانونی بودن مراجع محاکماتی نظامی:

پیش شرط اساسی محاکمه منصفانه این است که یک محکمه باصلاحیت، مستقل و بی طرف که برپایه قانون ایجاد شده باشد، به دعوی رسیدگی کند. علاوه براین که دیوانها یا محاکم باید مستقل باشند، آنها باید ذیصلاح و براساس قانون ایجاد شده باشند. این شرط تضمین می نماید که صلاحیت قضائی یک دیوان، به شکل عمومی و مستقل از یک قضیه و نه بر مبنای یک حکم اداری خود سرانه تعیین شود. سازمانهای سیاسی یا مقامات اداری ممکن است بنا بر ملحوظات سیاسی در تصمیم شان جانبداری یا خود سرانه عمل کنند.

کلمه قانون باید به مفهوم دقیق یک قانون پارلمانی یا آنچه در حکم آن است (معادل غیر کتبی و غیرمدون قوانین پارلمانی) درک شود. خیلی مهم است که تمام اشخاص ذیربط به آن دسترسی داشته باشند. به مثابه یک پرنسیب اساسی، اغلباً به موجب تساوی در برابر قانون و بر خورد مساویانه بر اساس قانون، محاکمه نباید از جانب محکمه های که فقط برای موارد خاص تاسیس شده اند انجام شود. هرچه محاکم اختصاصی ذاتاً اصول محاکمه منصفانه را نقض نمی کنند ولی تاسیس آنها باید به منظور محاکمه گروه های معین بر اساس کنکوریهایی مجوزه که مغایر اصول تساوی وعدم تبعیض نباشند صورت گیرد. که می توان از محکمه عسکری نام برد. خصوصیت ویژه قضایای که در ساحه صلاحیت چنین محاکم قرار دارند، مستلزم آگاهی تخصصی قضات و نیز ویژگیهای خاص مقررات جریان قضائی می باشد.

ماده ۱۲۲ قانون اساسی و ماده ۷ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه درباره نظام قانونیت محاکم حکم می کنند که تنها محاکم و دیوانها صلاحیت



کمیته‌های سه‌گانه بازنگري و تعديل قانون احزاب، قانون جمعیت‌ها و قانون تمویل مالی احزاب سیاسی، آغاز به کار کرد

گزارشگر: بشیراحمد عزیز



مؤثر و معنادار نهادهای اجتماعی، تشکلهای و احزاب سیاسی فراهم گردد. در ضمن، نظارت مؤثر از فعالیتهای تشکلهای، احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی، مستلزم ایجاد کمیته‌ی مشترک نظارت، با محوریت وزارت عدلیه و عضویت وزارت خانه‌ها و ادارات ذیربط است که در قانون گنجانده خواهد شد. در پایان، برخی از اعضای کمیته‌های سه‌گانه ضمن تشکر از این ابتکار، دیدگاه‌های خود را مطرح نموده و تعهد خود را نسبت به کار صادقانه و مؤثر در این کمیته‌ها اظهار داشتند.

چگونگی تمویل احزاب سیاسی و مکانیزم‌های حمایتی برای مشارکت معنادار احزاب سیاسی ملی نیز، از موارد مهمی است که در بازنگري و تعديل قانون احزاب مورد توجه قرار خواهد گرفت. وی هم‌چنان اشاره کرد که ابهامات موجود در قانون فعلی جمعیت‌ها، خصوصاً در تعریف مفاهیمی هم‌چون شورا، سازمان، انجمن و ... و ویژگی‌های نام‌های انتخابی برای نهادهای، مشکلات عدیده‌ی را هم برای شهروندان و هم برای کارمندان اداری به بار آورده که امید است با بازنگري و تعديل قوانین موجود زمینه‌ی مشارکت

و سیاسی می‌باشند، گفت: هدف از ایجاد این کمیته‌ها، سامان بخشیدن به فعالیت مؤثر نهادهای اجتماعی، تشکلهای و احزاب سیاسی است. وی هم‌چنان افزود: علاوه بر مشکلاتی که در فهم درست از فعالیت سیاسی و اجتماعی توسط شهروندان وجود دارد، برخی کاستی‌های موجود در قوانین نافذ فعلی در رابطه با فعالیت احزاب سیاسی و جمعیت‌ها نیز باعث شده است، تا این نهادها نتوانند مطابق با توقعات جامعه، کارایی و مؤثریت داشته باشند. یکی از خلأهای بزرگ در قانون فعلی، عدم تعریف و پیش‌بینی فعالیت تشکلهای سیاسی و هم‌چنان اپوزیسیون است.

پنجشنبه ۱۳۹۹/۴/۱۹ بر اساس طرحی که قبلاً از طرف وزارت عدلیه ج.ا.ا، به ریاست جمهوری ارائه شده بود، ایجاد کمیته‌های سه‌گانه بازنگري و تعديل قانون احزاب، قانون جمعیت‌ها و قانون تمویل مالی احزاب سیاسی، از جانب جلال‌آباد رییس جمهور مورد تأیید قرار گرفت. بر این اساس، در نشست به ریاست محترم معین امور اجتماعی وزارت عدلیه (دکتر زکیه عادل) کمیته‌های مذکور رسماً کار خود را آغاز کردند. دکتر عادل با ذکر اینکه اعضای فعلی کمیته‌ها از بهترین کادری علمی کشور هستند و در ضمن دارای تجارب کافی در فعالیت‌های اجتماعی

طلاق و پیامد های آن

قسمت سوم

طلاق باین آنست که شوهر حق رجوع برای اعاده رابطه زوجیت را ندارد. با خواندن صیغه طلاق رابطه زوجیت بین زوجین بطور کامل قطع می گردد که یکی از این دلایل کراهتی است که زن از شوهر دارد و یا هر دو از همدیگر کراهت دارند در صورتی که کراهت از هر دو طرف باشد طلاق از نوع مبارات نامیده شده است که در فقه اهل تشیع می باشد. و اما اگر کراهت یک طرفه از ناحیه زن باشد طلاق از نوع خلع می باشد زیرا کراهت

زوج از ویژگی طلاق خلع محسوب می شود. بنا بر این یکی از راه های جدایی زوجین که در مدت عده زوج حق رجوع به شوهر را ندارد خلع است. طبیعت طلاق خلع به گونه ای است که از طرفی تمام ارکان و شرایط اساسی عقد مانند تراضی طرفین یا ايجاب و قبول آنها در آن لازم است و از طرفی هم کیفیت اجراء و آثار آن به ایقاع می ماند یا به عبارت دیگر آثار طلاق که یکی از انواع ایقاعات بشمار می رود را دارا می باشد. از سوی دیگر طلاق خلع که از نوع باین است که با ایجاد شرایطی البته از سوی زوج دچار تغییراتی در نوع و ماهیت آن می شود.

طلاق خلع از نوع طلاق باین بوده و ضمن آن زوج به دلیلی کراهتی نسبت به شوهر خویش دارد در مقابل مالی که به او می دهد از قید زوجیت رها می شود زوج می تواند تا قبل از طلاق خلع و حتی بعد از طلاق در مدت عده و تا قبل از انقضای آن به بذل (فدیه) رجوع کند که در این صورت طلاق خلع به رجعی تبدیل شده و زوج می تواند در زمان عده به شوهر رجوع کند البته طبق نظریه مشهور جواز رجوع زن مشروط به امکان صحت رجوع مرد است.

هر چند زوج می تواند پس از طلاق خلع رجوع به طلاق را برای خود غیر ممکن نماید اما زوج نیز می تواند در حین وضعیت به فدیة رجوع کند و ایجاد مانع زوج برای اتمام حق خویش موجب سقوط حق زوج در این خصوص نمی شود.

ارکان طلاق خلع:

۱- تنفر و کراهتی که زوج از زوج دارد.

۲- دادن مالی از سوی زوج به زوج در مقابل طلاق خلع تا وی را از زوجیت رها سازد به گونه ای که زوج در زمان عده حق رجوع نداشته باشد.

مالی که زوج به شوهر می بخشد در اصطلاح فداء یا فدیة نام دارد و می تواند عین، دین یا منفعت باشد در قسمت مقدار آن هم ضابطه مشخصی وجود ندارد به توافق طرفین بستگی دارد مثلاً مهر، حق شیر دادن به طفل یا نفقه که بر ذمه شوهر است می تواند فدیة قرار گیرد.

رجوع از بذل:

به دلیل اینکه طلاق خلع از اقسام طلاق باین است پس از تحقق مرد نمی تواند در زمان عده به همسر رجوع کند این در حالی است که زن می تواند به فدیة پرداختی به شوهرش در عده رجوع نماید و آن را پس بگیرد و هر چند مرد ناخشنود باشد. در این صورت زوج می تواند به همسرش رجوع کند در این که جواز رجوع زن مشروط به امکان صحت رجوع مرد است یا نه اختلاف نظر وجود دارد. قابل یاد آور نیست که در فقه احناف زوج بعد از ایام عده با مهر و نکاح جدید می تواند با همسر قبلی خویش ازدواج نماید.

رجوع به بذل عمل حقوقی است و یک طرفه می باشد که صرف به اراده زوج واقع می شود. اما وجود یک جانبه بودن آن باید دارای شرایطی باشد از جمله اینکه زوج فقط در ایام عده می تواند به فدیة رجوع کند. دیگر اینکه زوج باید در ایام عده از رجوع زوج به بذل آگاهی یابد تا بتواند به طور متقابل حق خود را اعمال کند. چنانچه زوج از این امر (رجوع زوج به بذل) آگاهی نداشته باشد رجوع به بذل باطل خواهد بود رجوع باید به گونه ای باشد که زوج نیز توانایی رجوع به نکاح را داشته باشد با رجوع زن به بذل، وصف باین بودن طلاق زایل شده و در این صورت طلاق رجعی می شود و شوهر می تواند در ایام عده به شوهر رجوع کند بنا بر این در طلاق خلع اگر زوج نسبت به بذل رجوع کند طلاق رجعی شده و زوج می تواند به شوهر رجوع نماید هر چند که زوج راضی به این امر نباشد و اگر راضی به رجوع باشد زوج رجوع کند حتی اگر زوج نسبت به بذل رجوع نکرده باشد.

د مضاربت عقد شرایط او حکم

تبع و نگارش: محمد عارف «صبح»

سره خلط یایی بل چا ته په مضاربت ورکړی، مگر دا چه ورته اجازه ورکول شوی وی همدا رنگه مضارب نه شی کولای چه بی دپانگی داخواند د صریحی اجازه څخه دپانگی د اندازی څخه زیات قرض واخلی. دمجله الاحکام په (۱۴۰۴) ماده کښی هم دمضاربت عقد په پورتنی تعریف سره بیان او زیاته شوی ده چه دمضاربت عقد دعقد مزارعه مساقات سره مشابهت لری ولی فرق داده چه دمضاربت عقد په سوداگریز کارونو او دمزارعه عقد د زراعت او باغداری کی کارول کیږی، پدی ډول که چیری یو کس خپل مال بل چاته ورکړی تر څو پدغه مال بانندی تجارت وکړی د لاندی صورتونو څخه خارج نده:

- ۱- شرط کیږدی چه کتبه به مشترکه وی.
- ۲- کتبه به خاص د یو کس وی.
- ۳- یا دا چی هیڅ شرط و نه ټاکي. که چیری شرط شو، چه کتبه به مشترکه وی نو دا مضاربت ده ؛که دا شرط شو چه خاص کتبه به دعامل وی نو پدغه حال کښی سرمایه قرض شوه که شرط کیښودل شی چه خاص کتبه به دمالک وی او یا دا چه هیڅ څه ونه ویل شی او سکوت وکړی پداسی حال کی دفقهاو په اصطلاح دی ته مضاربت ویل کیږی.

ادامه در صفحه ۳

یادگیری دکار په کولو سهم لری. دپانگی (سرمایه) په خاوند کښی دوکیل نیولو اهلیت او په مضارب کښی دوکالت اهلیت په مضاربت کښی شرط دی. پانگه باید چه نقدی او معلومی پیسی وی او مضارب ته تسلیم کړی شی. کوم پور چی دچا په غاړه وی پانگه کیږای شی. په مضاربت کی باید چه ددواړخواوو دگتی اندازه دیو شریک جز په صورت وټاکل شی که کتبه نه وه ټاکل شوی نو په نیمایی توگه ویش کیږی. دمضاربت شرکت حکمی شخصیت لرونکی کیږای شی او مضاربت به یا مطلق وی ؛ یا به مقید .

مطلق مضاربت هغه دی چه د وخت، ځای او معاملی پوری مقید نه وی او اخیستونکی او خرڅونکی په کښی نه وی ټاکل شوی. مقید مضاربت هغه ده چی دپورتنی مت په یو قید مقید شوی وی . په مطلق مضاربت کښی د مضارب خرڅول، اخیستل او وکیل نیول جواز لری ، مضارب کولی شی لکه چه په تجارت کی عرف وی په نقدی پیسو یا په نسیه معامله وکی او په مطلق مضاربت کښی مضارب نه شی کولای دمضاربت مال دخپل مال

دغه سره تجارت وکړی او په کتبه کی شریک وی دسرمایه خاوند ته مالک او (تجارت کوونکی) عامل ته مضارب ویل کیږی. ۳- مضاربه دقرض په معنی هم نومول شوی ؛ قراض قطع او پری کولو ته وایی یعنی د پانگه خاوند دخپل مال څخه څه اندازه مال پری او قطع کوی تر څو بل شخص په دغه مال سره تجارت وکړی ځانته او د سرمایه خاوند ته څه کتبه بیله کړی ؛ اودمعامله په معنی هم یاده شوی ده.

دشریعت مقصد له مضاربت څخه دا ده چی دواړه خواوو خپلو کښی موافقه وکړی چی یو نفرخپله سرمایه بل نفر ته د تجارت په مقصد ورکړی په بل عبارت مضاربه دمفاعله دباب (الضرب فی الارض) څخه ده دتسمیه یا مسمی کیدو وجه دا ده چه عامل (کارکوونکی) دمالک په امر سره تجارت اود کتبی په مقصد مسافرت کوی.

۴- دمضاربت تعریف دقانون له مخی: دافغانستان مدنی قانون په (۱۲۶۱) ماده کښی مضاربت عقد دا ډول معرفی شوی: مضاربت د دوه کسانو تر مینځ دداسی شرکت څخه عبارت ده چه یو دسرمایه په ورکولو او بل چه دمضاربت په نامه

دعدلی وزارت دحقوقواداره چی حقوقی عرض پانی او د محکمو دحکمونو دتطبیق دنده په غاړه لری او هر ډول حقوقی غوښتنی دغه اداره ته وړاندی کیږی ددغه غوښتنو دشمیرڅخه یوه هم دمضاربت عقد او معامله ده چه دعارض او معروض یا مدعی اومدعی علیه تر مینځ پیدا کیږی وغوښتل شوچه دپورتنی عنوان لاندی څه لیکنه گرانو لوستونکو ته وړاندی کړم ؛ یو شمیر فقهاوو دمضاربت عقد نقد کړی او پداسی حال کښی صحیح بولي چه دمضاربت عقد کوونکی کارگرنی سوداگریزی او تجارتی وی څرنکه چی دبانگی قانون په حکمونو کی دسود څخه پرته مطرح شوی ده .

پدی اساس لومړی دتعریف څخه پیل کوو.

۱- مضاربت په لغت کی تجارت یا سوداگری ته د سفر په معنی ده د زممل سوره (۲۰) آیه کی ویل شوی؛ هغه کسان چه دخدای (ج) دفضل او بخشش لپاره په زمکه سفر کوی . د نورو کسانو په سرمایه تجارت کول مضاربت ده ؛ دعدمید فرهنگ ۲-دفقهی له نظره دمضاربت عقد داسی عقد ته ویل کیږی چه دعقد کوونکو یو نفر سرمایه بل نفرته ورکوی تر څو په

ادامه در صفحه ۳